



خانومهای ایرونی همه شون ملکه هستن!

باران

پوشش آقایون چه؟

دیروز توی اتوبوس به این فکر می‌کردم که هنجار شکنی دینی در پوشش برای آقایون چه مصادیقی داره؟
شمردم:

پیرهن کوتاه
شلوار خیلی تنگ
تراشیدن ریش
موهای عجیب و غریب
یقه خیلی باز
پاچه کوتاه
و البته
چشم چرانی و...

در همین افکار بودم که یه آقای وارد اتوبوس شد.
از سر و صورتش عرق می‌ریخت و معلوم بود داره آب پز می‌شه.
نگاهم از صورت سر خور روی یقه پیرهنش که تا پنج انگشت بالاتر از نافش باز بود و هیچ لباسی هم زیرش نبود.
با خودم گفتم الان وقتشه!
تا فکر تذکر به ذهنم خطور کرد نفسم به عقلم گفت:
این بنده خدا الان گرمشه
تا حدودی حق داره
عقلم گفت: خب از فردا اونایی که گرمشونه، از این بدتر بیان تو خیابونا
خوبه؟

نفسم گفت: خب این که چیزی نیست داری گیر میدی! دو تا دکمه به تو
چه اصلا؟!

عقلم گفت: ساکت شو!

فلذا بسم الله گفتم که طرف شاخ بازی در نیاره و دعوا راه نیفته

سرم رو بردم کنار گوشش گفتم:

آقا در شأن شما نیست یقه‌تون انقدر باز باشه.

طرف یه نگاه کرد به یقه‌اش...

گفت: ببخشید.

دو تا از چهار تا دکمه رو بست

بعد من گفتم: دمت گرم حاجی

من چون دیدم چهره‌ات به آدمای با شخصیت می‌خوره، گفتم بگم که

اینطوری خوب نیست.

طرف گفت: کوچیکتم داداش...

منم گفتم: چاکریم!

نظر دوست فرنگی

دوستی از فرنگ برگشته بود ایران. بعد از یکی دو روز رفت توی خیابونای شهر گشتی بزنه و تجدید خاطره کنه؛ اما یه چیز به شدت شگفت زده‌اش کرده بود!

گفت: یعنی این همه زن روسپی تو خیابونای شهر فراوونه؟! چقدر وضع مملکت خراب شده!

گفتم: اینقدر هم که تو میگی خراب نیست؛ چرا همچنین حرفی میزنی؟

گفت: مثلاً این پوتین‌ها و کفش‌های پاشنه بلندی که پوشیدن!

گفتم: چه ربطی داره؟

گفت: آخه کفش‌هایی که این دخترا پوشیدن توی اروپا مخصوص زنای روسپی هستش و این کفش‌های پاشنه بلند به نوعی معرف اون‌هاست. این پوتین و کفش‌ها به‌خاطر ساختاری که دارن منجر به نوعی طرز راه رفتن میشن که چنین تلقی رو در فرد بیننده ایجاد می‌کنه.

گفتم: آخه این دخترا که خیلی‌هاشون چنین نیتی

ندارن؛ یا به‌خاطر زیبایی می‌پوشن یا به‌خاطر

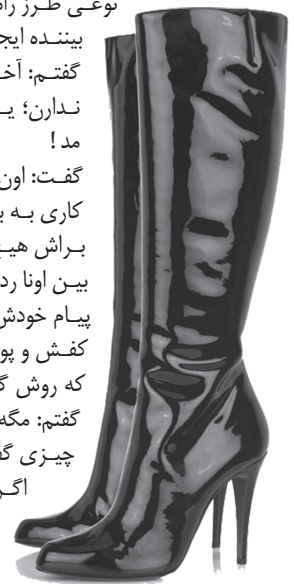
مد!

گفت: اون مردی که ظاهر این دختر رو می‌بینه کاری به باطنش نداره و نیت و دل پاک اون دختر براش هیچ اهمیتی نداره. قبل از این که صحبتی بین اونا رد و بدل شده بشه، تیپ و ظاهر اون دختر پیام خودش رو رسونده! اصلاً خود تولید کننده این کفش و پوتین‌ها کاربری جنس‌شون رو با اسمی که روش گذاشتن تعیین کردن.

گفتم: مگه این پوتین‌ها اسم خاصی دارن؟

چیزی گفت که نمی‌شه حتی به زبون آورد؛ اما

اگر تحقیق کنید حتما متوجه می‌شید...



حجاب‌شون رو درست کنند. چون... یه مکث کردم و حواس پسره هم جمع‌تر شد و گفتم: چون بعضی‌ها بهشون نگاه‌های بد می‌کنن. تا این رو گفتم طرف برگشت و ماچ و بوسه و تشکر و...

اگه گفنی!

گفت: اگه گفنی چی شد من بعد از این همه مدت چادر پوشیدم؟
گفتم: چه می‌دانم، لابد این طوری خوش‌تیپ‌تری!
گفت: نه!
گفتم: خب لابد فهمیدی این طوری حجابت مثلاً کامل‌تره!

گفت: نه!
گفتم: ای بابا! خب لابد عاشق یکی شدی، اون گفته اگه چادر بپوشی بیشتر دوستت دارم!
گفت: نزدیک شدی!
گفتم: آها!! دیدی گفتم... همه قصه‌ها به ازدواج ختم می‌شن... دیدی!
گفت: برو بابا... دور شدی باز که...
گفتم: خب خودت بگو اصلاً!
گفت: جایی شنیدم چادر، لباس حضرت زهرا (علیها السلام) است، خواستم کمی شبیه مادرم (علیها السلام) باشم...



این کفشای پاشنه ده ساننک راحت!

میگه چادر محدود می‌کنه! سخته! می‌پیچه تو دست و پام!
اما به جاش، این کفشای پاشنه ده ساننک می‌پوشه خیلی راحت! اصلاً توش احساس آرامش می‌کنه!
اصلاً هم برای پاش ضرر نداره!
اصلاً هم باعث نمی‌شه بخوره زمین!



هی خودمو کشیدم سمت اون آقا و خودمو جمع کردم، بلکه یه وقت بدنم به خانمه نخوره. ولی هرچه کردم دیدم نمیشه؛ جا کم و تنگ بود. خانم هم که سختش نبود!
در عذاب بودم که فکری به ذهنم رسید. پیهو بلند گفتم:
«خواهرم شما اون کیفیت رو بذار بین من و خودتون تا هیچ کدوم معذب نباشیم! جا خیلی تنگه.»
عمداً بلند گفتم که راننده و بقیه مسافرا فکر دیگه‌ای نکنن!
اون خانم هم سریع کیفشو گذاشت وسط... به همین راحتی...



احتمال ناخیر

۹ تا پسر به همراه ۳ دختر با وضعیت نامناسب در خیابان‌های تهران.
خیلی ترسیدم، دعوا می‌شه، اثر نداره و... ولی نتونستم و یه توسل به امام زمان (عج) کردم و رفتم جلو. زدم رو شونه گنده‌ترین پسر و گفتم: آقا میشه یه لحظه وقت‌تون رو به من بدین؟! پذیرفت و رفتیم یه گوشه‌ای. گفتم: به این خانم‌هایی که همراه‌تون هستن، بفرمائید



خانوم‌های ایرونی همه‌شون ملکه هستن

با طعنه به دوست و هم‌کلاسی ایرانی‌اش همایون می‌گه: چرا خانوماتون نمی‌تونن با مردا دست بدن؟! یعنی مردای ایرانی اینقدر کارنامه خرابی دارن و خودشون رو نمی‌تونن کنترل کنن؟
همایون لبخندی می‌زنه و می‌گه: ملکه انگلستان می‌تونه با هر مردی دست بده؟! یا هر مردی می‌تونه با ملکه انگلستان دست بده؟
«چارلز» با عصبانیت می‌گه: نه! مگه ملکه فرد عادی‌ه؟! فقط افراد خاصی می‌تونن با ایشون دست بدن!
همایون هم بی‌درنگ می‌گه:
«خانوم‌های ایرونی همشون ملکه هستن...»

طلوات

آقاهه تو اتوبوس باصدای بلند گفت:
سلامتی راننده بامرام که به خاطر خانومای چادری، کولر ماشینشو زده...
یه آقایی هم خیلی متین گفت: نخیر! سلامتی خانومایی که حتی گرمای هوا باعث کنار گذاشتن چادرشون نمیشه...

ناکسی و کیف زنانه

می‌خوام براتون یه خاطره بگم از یه روز گرم! که سوار تاکسی (پراید!) شدم و کنار من هم یک خانوم بدحجاب بود که معلوم بود بنده خدا گرما اذیتش کرده و بی‌حال و تشنه‌ست. سمت راست من هم یه آقا نشست و جا تنگ شد. دیدم این خانم هم انگار نه انگار! (البته فکر کنم علتش بی‌حالی و خستگی از شدت گرما بود)